

و کالت در دعاوی تنها راه تسریع محاکمات و رفع مشکل مراجعه کنندگان بدادگستری است

غالب اصحاب دعوی که بمراجع دادگستری مراجعه مینمایند از طول مدت رسیدگی ناراضی هستند و میگویند کار در دادگستری با سرعت پیش نمیرود و همین امر موجب خستگی آنها می شود. تاکنون چندبار در قانون آئین دادرسی مدنی و جزائی تغییراتی برای تسریع جریان دعاوی داده شده و اصلاحاتی بهمین منظور صورت گرفته ولی با مراجعات اشخاص غیر وارد نتیجه مطلوب بدست نیامده است. اینک باید دید نقص در قانون است یا جهت دیگری دارد؟ در هیچ جای دنیا قضاتش روزانه با اندازه قضات محاکم ایران کار نمی کنند، آری قضات دادگستری ایران از پرکارترین قضات دادگستری جهان میباشند.

البته هر يك از قانون آئین دادرسی مدنی و جزائی نقایصی دارد که باید مرتفع شود و در همین شماره پاره از نواقص قانون آئین دادرسی مدنی در مقاله اشاره شده است، لیکن بطیء کار فقط متوجه قانون نیست.

در ایران بنسبت افزایش جمعیت و وسعت یافتن دامنه امور اقتصادی و بازرگانی تشکیلات دادرسی و محاکم چنانکه باید وسعت نیافته است، و برای جبران این امر اقتضا دارد دولت در این باره بودجه بیشتری در اختیار

وزارت دادگستری قرار بدهد تا بتواند بر تعداد محاکم دادگستری در نقاط دور و نزدیک بیفزاید - بعلاوه لازم است در قوانین و مقررات جاری اصلاحاتی که ضرورت دارد بعمل آید و از اهل بصیرت و ارباب اطلاع دعوت شود تا لوایح اصلاحی کاملاً بررسی گردد و موارد نقص قانون را مشخص نمایند و بدیهی است که هیچکس مثل قاضی دادگاه و وکیل دادگستری که با اینگونه مشکلات مواجهند پی به نقص قانون نمیبرد.

هر گاه در کمیسیونهای مختلطی از قضات محاکم و وکلای دادگستری لوایح قانونی رسیدگی شود، میتوان کلیه نواقص قانون را مرتفع ساخت .

اما آنچه بیش از همه عوامل موجب کندی کار و نارضائی اصحاب دعوی شده اینست که بر طبق قوانین موجود هر شخص اصیل در دعوی میتواند بدادگستری مراجعه کند و با قاضی دعوی و تعقیب آن بپردازد بی آنکه اطلاعی از قوانین مختلف داشته باشد - فی المثل بیشتر شکایاتی که بدادسراها داده میشود نه موضوع ادعا و شکایات روشن است و نه اقامتگاه شاکی و مشتکی عنه معین میباشد . غالب مراجعه کنندگان بدادگستری با تهیه يك برگ شکایت ناقص بدون جلب نظر وکیل بدادسراها مراجعه میکنند و مدتها میآیند و میروند بی آنکه در امر وکالت اطلاعی داشته باشند و همین گونه اشخاص دادخواست هائی بمحاکم تقدیم میدارند و رفت و آمد روزانه آنها باعث ازدحام در راهرو های دادگستری میگردد ، از این گذشته قضات دادگستری در رسیدگی باینگونه دعاوی با مشکلاتی روبرو میشوند که موجب تأخیر کار میشود. در پرونده هائی که قاضی در دادگاه با وکیل طرف است، دادخواست روشن و خواسته معلوم و معین است و بر طبق اصول فنی تنظیم شده است و وکلای طرفین دعوی در لوایح و مدافعات خود از حق موکل خویش دفاع میکنند و بعد از آن قاضی بخوبی و سهولت میتواند رأی بدهد . و ازین گذشته از نظر ابلاغ اخطاریه ها و دادنامه ها نیز چون اقامتگاه وکیل مشخص است، اشکالی در کار مامورین ابلاغ پیش نمی آید و در نتیجه دعوائی که وکیل اقامه میکند زودتر و بهتر فیصله مییابد.

ممکن است اشخاص غیر واردی بگویند وکیل حق الوکاله میخواهد و برخی از افراد ممکن پرداخت حق الوکاله ندارند. پیش از پاسخ باین ایراد توضیح این مطلب ضروری میرسد که امروز در ممالک راقیه افراد حتی برای سپردن اطفال خویش بـمدرسه از وکیل کسب نظر میکنند و تقریباً در همه کشورهای مرفعی حق اقامه دعوی و پاسخ کوئی بآن اختصاص بوکیل دعاوی دارد. همانگونه که هیچکس بدون داشتن پروانه طبابت نمیتواند قانوناً طبابت کند همینطور هم کسی که در دادگستری اقامه دعوی میکند، باید وکیل دادگستری باشد و وکیل طرف جواب بدهد و پس از دفاع و تبادل لوابح اصحاب دعوی قاضی رسیدگی مینماید و حکم صادر میکند. - بنا بر این افراد عادی بعنوان اصیل در دعوی صالح برای طرح دعوی نخواهند بود.

بطوریکه همه میدانند بیشتر بارسنگین دفاع در پرونده های جنائی و حتی جنحه بردوش و کلای دادگستری بعنوان وکالت تسخیری گذاشته شده است که مجاناً این خدمت انسانی را انجام میدهند.

کدام پرونده بوده که دادگاه وکیل تسخیری معین کرده و وکیل دفاع از متهم نکرده است؟ فرضاً اگر بوکیلی کار وکالت تسخیری ارجاع شود و آنرا انجام ندهد دادسرای انتظامی کانون و کلاء او را تعقیب مینماید و دادگاه ویرا محکوم میسازد- و انصافاً و کلای دادگستری با کمال صبر و حوصله این خدمت مجانی را تا امروز بخوبی انجام داده اند و هنوز هم انجام میدهند - بعلاوه هر روز چندین نفر بکانون و کلای دادگستری مراجعه میکنند و درخواست وکیل معاضدتی دارند و اداره معاضدت قضائی کانون و کلاء برای آنها وکیل معاضدتی (مجاناً) تعیین میکند و از این حیث هم هیچ فرد غیر متمکنی در دادگاه جنائی و دادگاه جنحه و در دادگاههای حقوقی بی وکیل تسخیری یا معاضدتی نمانده است؛ پس تأمل در اصل الزامی شدن شرکت وکیل در محاکم دادگستری بیبانه اینکه افراد غیر متمکن قادر بگرفتن وکیل نیستند مورد پیدا نمیکند.

اگر قانون الزامی شدن دخالت و کیل دادگستری در دعاوی مدنی و کیفری تصویب شود و مداخله افراد عادی که فاقد صلاحیت در تنظیم دادخواست و اقامه دعوی و دفاع امور جزائی و حقوقی میباشند و از قوانین و مقررات بی اطلاع هستند منع گردد، نه تنها ازدحام راهرو های دادگستری از بین میرود بلکه دعاوی مطروحه در دادگستری در مدت بسیار کوتاهی حل و فصل میگردد و در نتیجه مشکل عهده دادگستری که ناشی از کمندی کار است مرتفع میشود.

کانون و کلای دادگستری حتی بنقاط دور از مرکز که فاقد تعداد کافی و کیل است برای اینکه هیچ متهمی بی دفاع نماند و از حق دفاع کاملاً برخوردار شود و کیل اعزام میدارد و در هیچ جاهی چکس بی و کیل تسخیری نبوده است و این خدمت انسانی و وجدانی چنانچه قبلاً گفته شد با همه مشقات و سنگینی بار عهده و کلای دادگستری محول شده و هنوز هم هست که امیدواریم دولت در این باره اقدام عاجلی مبذول دارد و سالانه مبلغی در بودجه در ازای انجام دادن امور و کالت تسخیری اختصاص دهد.

به هر حال مشکل کمندی جریان دعاوی در دادگستری عدم الزامی بودن دخالت و کیل دادگستری است و اگر باین امر توجه شود و افراد غیر صالح را از حق طرح دعوی ممنوع دارند و کار را بدست کاردان یعنی و کیل دادگستری بسپارند و بموازات آن اصلاحاتی هم در آئین دادرسی مدنی و جزائی بانظر قاضی و وکیل بعمل آید بیشک قضات محاکم خواهند توانست با سرعت کار را فیصله دهند و از بطیء جریان دادگستری بمیزان محسوس کاسته می گردد.

امید است آقای صادق احمدی وزیر دادگستری باین امر توجه نمایند تا قضات دادگستری ایران هم مانند دادگستری سایر ممالک پیشرفته در طرح و اقامه و دفاع از دعاوی با وکیل مواجه باشند نه با افراد غیر مجاز و بی اطلاع از قوانین و مقررات و با اتخاذ این تدبیر کلیه افراد غیر مجازی که هم اکنون در راهرو های دادگستری رفت و آمد دارند و احیاناً موجب مفاسدی میشوند دستشان از کارها کوتاه می گردد و به تنظیم و ترتیب کار دادگستری کمک شایان خواهد کرد.